

شهید آوینی:

(فی المثل در مورد طب، نباید پنداشت که علم پزشکی امروز صورت تکامل یافته‌ی طب قدیم است، علم پزشکی اصولاً بر مبانی دیگری استوار است. در قدیم انسان را از یک سو جزئی از طبیعت و از سوی دیگر جامع همه طبایع می‌دانسته‌اند و بدین ترتیب سعی می‌کرده‌اند که نظم داخلی بدن انسان را دقیقاً در انطباق با طبیعت خارج شناسایی کنند. بر این مبنا انسان را همچون طبیعت خارج صاحب طبایع چهارگانه گرم و خشک، گرم و تر، سرد و تر، و سرد و خشک می‌دانسته‌اند و اخلاط چهارگانه بدن انسان - صفرا، خون، بلغم و سودا - را متناظر با این طبایع اربعه قرار می‌داده‌اند و سعی می‌کرده‌اند از روی نظامی که فی مابین این طبایع چهارگانه در طبیعت موجود است بیماری داخلی بدن انسان را پیدا کنند و بر همان اساس عمل کنند.)<sup>1</sup>

مقدمه

به علت ضعف طب مدرن در درمان بیماری‌ها و عوارض بالای داروهای شیمیایی، غلبه سرمایه داری بر تحولات و تحقیقات طب مدرن، هزینه بسیار بالای درمان، وابستگی این طب به جراحی و تکنولوژی و... بشریت در یک چرخش صدو هشتاد درجه ای به طب سنتی و کل نگر توجه جدی کرده است. اعلامیه سازمان جهانی بهداشت در حدود ده سال پیش با بر شمردن آفات و بحرانهای طب مدرن، کشورها را دعوت به توجه جدی به مکاتب طبی دیگر از جمله طب سوزنی، طب هندی، آیورودا، طب سنتی چین، طب سرخ پوستان و غیره میکند.

اساساً طب سنتی در اروپا در حدود 400 سال پیش توسط پاراسلوس و نیز در کشور خودمان در سال 1334 توسط جهان شاه صالح وزیر بهداشت وقت با یک روند سیاسی، استعماری و برنامه ریزی شده کنار رفت.

تصور اولیه این است که طب سنتی منسوخ شده است و روشهای درمانی آن غیر علمی است یا پاسخگو نیست اما حقیقت این است که نه تنها در مقام نظر هیچ مقاله‌ی علمی در رد تئوری سردی و گرمی نوشته نشده است بلکه یافته‌های جدید تئوری مزاجها (سردی، تری، گرمی و خشکی) و اخلاط (صفرا، سودا، دم و بلغم) را تایید می‌کند.

به علاوه در مقام عمل هم درمانگر بودن و کار آمدی طب سنتی شگفت انگیز بوده است. بطوری که در شهر تهران مطب‌های طب سنتی روز به روز پر رونق تر می‌شود و نیز در دیگر کشورهای جهان رشد طب سنتی (به مفهوم اعم آن) روز به روز در حال گسترش است و عوامل گفته شده در بالا و همچنین دیگر مزایای طب سنتی (منطبق بودن بر فرهنگ دینی، در دسترس بودن، ارزان بودن، خود کفایی دارویی و حتی نقش صادر کننده داشتن، تولید علم به معنای واقعی کلمه به طوری که از کل دنیا متقاضی تعلیم طب سنتی ایران شوند و بسیاری مزایای دیگر که در این مقدمه مجال ذکر آنها نیست)، مجموعه دانشگاهی کشور را بر آن داشت که طب سنتی را به عنوان یک رشته مستقل زیر مجموعه دانشگاه تهران تاسیس کند.

قبل از ورود به بحث چندین نکته را متذکر شویم:

1. بسیاری از کارها آنقدر برای ما عادت شده‌اند و به قدری به حقانیت آنها ایمان داریم و با آنها خو گرفته ایم که فرض و تصور خلاف آن هم برایمان مشکل است. متأسفانه در اوضاع کنونی غرب زدگی کشور، ما موقعیتی بسیار تعصبی به غرب پیدا کرده ایم، حرف متفکرین و پزشکان غربی را در بسیاری از موارد حتی از وحی هم برتر و معتبرتر می‌شماریم. بنابراین اگر در این مقاله به مواردی بر می‌خورید که در تقابل با پیش زمینه‌های فکری شماست سریعاً آن را انکار نکنید.

<sup>1</sup> مجموعه توسعه و مبانی تمدن غرب مقاله‌ی، نظام آموزشی غربی، محصول جدایی علم از دین





2. یکی از بهترین حوزه هایی که سیطره تفکر اومانستی و مادی غرب را میتوان در آن مشاهده کرد طب مدرن است. تمام مولفه های غرب مدرن در پزشکی مدرن قابل مشاهده است..

3. از طرفی طب سنتی حوزه ای است که تفکر الهی و قدسی و وحدانی، نظام احسن، مفهوم طبیعت و... در آن مشهود است.

پزشکی مدرن به عنوان یکی از حوزه های تمدنی در شناخت تفکر غربی و تمدن غرب ضرورتی فوق العاده دارد و نه تنها ما را در شناخت جهان بینی ضد انسانی و صرفاً اقتصادی غرب بلکه در شناخت پیشینه غنی طبیی اسلامی- سنتی مان یاری می کند.

4. بنابراینکه هر اثباتی ابتدائاً نفی می خواهد و در پی هر نفیی اثبات و جایگزینی نیاز است در این مقاله صرفاً به نفی طب مدرن به صورت اجمالی می پردازیم و إن شاء الله در مقاله ی بعدی اثبات طب اسلامی- سنتی و شناخت آنرا خواهیم داشت؛ پس خوانندگان محترم این سؤال را که «اگر طب مدرن را قبول نکنیم چه کنیم؟» در ذهن خود داشته باشند تا به یاری پروردگار به این مسئله هم پردازیم و بپردازید و بپردازند و پیشینه غنی مان را بازیابی کنیم.

#### بحران در طب مدرن

طب سنتی از دیدگاه امام خمینی (ره):

(یکی از دکترهای امروزی می گفت بر ما و بر دکترهای بزرگ این کشور ثابت شده که کاری از طب اروپا جز جراحی بر نمی آید و داروهای اروپایی معالج نیست، بلکه مُسکَنی است که ما بکار می بریم و انتظار داریم که دوره ی خود را طی کند و یا به خوبی یا بهلاکت منجر شود. گفتیم پس چرا دکترها این مطلب را به مردم نمی گویند: گفت کسی قدرت این گفتار را ندارد و درست گفت... امروز اگر کسی از طب اروپایی یا زندگی اروپامآبی انتقادی کند مورد هو و جنجال بسیار واقع خواهد شد...)<sup>2</sup>

آفات طب مدرن (رایج یا جزءنگر)

1- دیدگاه جزءنگر (تخصصی شدن پزشکی)

2- متکی بودن به آزمون و خطا

3- بی توجهی به آثار درمانی غذاها و استفاده ی سریع از دارو

4- کنار نهادن درمان طبیعی و استفاده از داروهای شیمیایی

5- کنترل و سرکوب علائم بیماری بجای درمان علت آن

6- جرائم تراست های داروسازی

بزرگترین جرم آنها انحصاری کردن درمان و حذف درمان طبیعی است.

- تبلیغات خلاف واقع

- تشویق مردم به استفاده ی بیشتر از دارو

- تبلیغات در مورد دارو برای پزشکان

- ساخت داروهای رنگارنگ با اسامی متفاوت و خواص یکسان

<sup>2</sup> برگرفته از کتاب کشف الاسرار

- نسبت دادن عوارض دارو به پزشکان

- صدور داروهای از ره خارج به جهان سوم

7- کم‌رشدن بودن هزینه‌های درمانی

8- تزلزل و عدم ثبات در نظریات دانشمندان و مراکز تحقیقاتی طب مدرن

بازیچه بودن پزشکان

مجله علم و زندگی - پاریس: «وضع طبابت، امروزه در فرانسه چنین است که طرز عمل یک پزشک به انسان مصنوعی شبیه شده است. بیمار را می‌بیند و او را نزد داروفروش می‌فرستد. داروفروش نیز انسان مصنوعی دیگر است که تا حد زیادی مطیع زندگی ماشینی شده است.»<sup>3</sup>

عوارض وحشتناک دارو

«در سال 1960 میلادی حادثه‌ای عجیب و بی‌سابقه در جهان پزشکی اتفاق افتاد که از لحاظ اهمیت همه حوادث را تحت الشعاع قرار داد؛ آن حادثه تولد متجاوز از 10 هزار نفر نوزاد ناقص‌الخلقه از مادرانی بود که در دوران بارداری قرص‌های آرام‌بخش و خواب‌آور از نوع تالیدومید خورده بودند.»<sup>4</sup>

«در طول مدت 60 سال هیچ یک از پزشکان متوجه این نکته نشدند که فنستین زهر کلیه است و مصرف آن می‌تواند به مرگ بیماران بینجامد.»<sup>5</sup>

«داروی تراوتون معروف یعنی تالیدومید که یکی از داروهای پر مصرف مسکن حاملگی بود تمام مراحل آزمایشی را پشت سر گذاشته بود ولی پس از چند سال که نزد هزاران خانواده مصرف شد اثرات خطرناک آن به ثبت رسید به طوری که آمار نشان داد که تنها در آلمان ده هزار بچه و در ژاپن هزار بچه‌ی ناقص‌الخلقه به یادگار گذاشت و سپس مصرف آن ممنوع اعلام گردید.»<sup>6</sup>

«هر قدر زمان می‌گذرد عدم تحمل مردم نسبت به داروها بیشتر می‌شود و در نسل‌های آینده باز بیشتر خواهد شد و نتیجه اینکه در کلیه‌ی جوامع بشری، به مرور زمان بر تعداد و تنوع بیماری‌های مزمن مقاوم افزوده می‌شود و نسل بشر به سوی نابودی و انقراض به پیش می‌رود. ژان روستان<sup>7</sup> زیست شناس شهیر فرانسه در کنگره‌ی بزرگی با عنوان (سرنوشت انسان متمدن در عصر حاضر) به همهی مردم جهان هشدار داد که امروزه 3 خطر بزرگ نسل بشر را به ورطه‌ی نیستی کشانده است: رادیو اکتیویته، اشعه ایکس و دارو‌هایی که مصرف جهان‌گیر پیدا کرده و در همهی کشورهای جهان به حد افراط مصرف می‌شود.»<sup>8</sup>

دسیسه‌های شرکت‌های داروسازی

«تبلیغات نقش فوق‌العاده مهمی در توسعه‌ی بازار جهانی دارو دارد. میدان اصلی تجربه‌های دارویی بر مردم بی‌اطلاع و بی‌خبر کشورهای جهان سوم و بخصوص زنان و کودکان است و شریک جرمشان پزشکان یا بیمارستان‌ها و مؤسساتی هستند که در ازای دریافت رشوه، نتیجه را به مراکز دارویی گزارش می‌دهند. این نوع آزمایشها به صورت پنهانی و بدون اطلاع بیماران انجام می‌شود. کارخانه‌های داروسازی کشورهای سرمایه‌داری قدرت مطلق در بازار جهانی دارو دارند و در این باره کشورهای جهان سوم مصرف‌کننده هستند.»<sup>9</sup>

«کشورهای مهم تولیدکننده دارو که بیش از 80 درصد داروهای جهان را تولید می‌کنند عبارت اند از: آلمان، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، سوئیس، اسپانیا، انگلستان، ژاپن.»<sup>10</sup>

<sup>3</sup> ( دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 148 )

<sup>4</sup> ( همان ، 152 )

<sup>5</sup> ( دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 43 )

<sup>6</sup> ( همان ، ص 153 )

<sup>7</sup> jean rostan

<sup>8</sup> ( دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 47 به نقل از : aromatherapie تألیف D.r jean valent چاپ 1973 ، ص 88 )

<sup>9</sup> ( همان ، ص 164 )

<sup>10</sup> (تجارت شیطانی ، ص 163 )





«ملت‌های مظلوم جهان سوم، پسمانده‌های شرکت‌های داروسازی کشورهای صنعتی استعمارگر را مصرف می‌کنند.»<sup>۱۱</sup>  
 «کارخانجات دارویی آلمان غربی، یک چهارم صادرات دارویی جهان را در اختیار دارد.»<sup>۱۲</sup>  
 «شصت درصد داروهایی که از کشور آلمان صادر می‌شود ارزش منفی دارد و فقط 12 درصد آن با استانداردهای سازمان جهانی بهداشت مطابقت دارد.»<sup>۱۳</sup>

«شرکت‌های دارویی آمریکا، داروهای خود را به طور عمد در روی بدن انسان، در آمریکای لاتین تجربه می‌کنند.»<sup>۱۴</sup>  
 «طبق اظهارات کلیه‌ی محققان و متخصصان علم پزشکی و داروسازی، امروزه مؤسسات پزشکی و صنعت داروسازی از حریم مقدس خود که خدمت به جهان بشریت است به کلی منحرف شده، در مسیر سودجویی و نفع‌پرستی قرار گرفته است.»<sup>۱۵</sup>

#### خطرات بیمارستانها

«اعتصاب 4 هفته‌ای هزار پزشک در اسرائیل موجب کاهش 60٪ مرگ و میر شد. گورکن‌ها، متصدیان کفن و دفن و مرده شوران از کسادی بازار کارشان ابراز نگرانی کرده بودند.»<sup>۱۶</sup>  
 «میزان کشت و کشتار بیمارستان‌ها و داروها تقریباً با جنگ‌های بزرگ برابر است.»<sup>۱۷</sup>  
 «برخی گزارشات حاکی از وجود 40 داروی مرگ‌بار در ایران است که به طور آزادانه فروخته می‌شود.»<sup>۱۸</sup>  
 نظر ابن‌سینا در مورد دارو

به عقیده‌ی ابن‌سینا بهترین مکتب پزشکی آنست که به دارو نیاز نداشته باشد، یعنی هرچه مکتب پزشکی بیشتر به دارو نیاز داشته باشد آن مکتب ضعیف‌تر است و طب آلوپاتی که در تمامی درمان‌ها (روحی و جسمی) از دارو استفاده می‌کند به عقیده‌ی ابن‌سینا شرتترین مکتب پزشکی است.

«تقریباً همه‌ی داروها حتی در مواردی که به جا و به مقدار متوسط و مناسب درمان مصرف شود چند عارضه زیان‌بخش نیز ایجاد می‌کند.»<sup>۱۹</sup>

«تقریباً با پیدایش هر داروی جدید بیماری تازه‌ای در بین افراد بشر پیدا می‌شود که پیش از استعمال آن دارو موجود نبوده است.»

«رواج روحیه‌ی ماده‌گرایی بیمار را به شکل کالا و حرفه‌ی پزشکی را به صورت تجارت سلامت مردم در آورده است.»<sup>۲۰</sup>  
 در انتشارات سازمان بهداشت جهانی درج شده است که: بزرگترین نقطه ضعف طبابت پزشک آمریکایی بی‌اطلاعی او از خواص داروهای جدید و تجویز سرسری این داروهاست. در این مقاله که معتبر است ذکر شده که بسیاری از داروها که سبب مرگ بیمار می‌شود از داروهای عادی و معمولی است نه از داروهای خطرناک و مضر. در قسمت دیگری از مقاله‌ی مزبور می‌آید: در انگلستان از هر 10 مورد تأثیر سوء دارو به طور متوسط یک مورد به مرگ بیمار انجامیده است و سالی تقریباً یک میلیون تن در ایالات متحده آمریکا به علت بیماری‌هایی که در اثر مصرف داروهای تجویز شده بوجود آمده، در بیمارستان بستری می‌شوند. از این گروه عظیم حداقل 20 هزار و حداکثر 120 هزار نفر جان خود را از دست می‌دهند.<sup>۲۱</sup>

«چنین به نظر می‌رسد که تعداد حقیقی حوادث خطرناک مربوط به داروها بیش از آنست که در آمارهای رسمی مشاهده می‌شود. تعداد عوارض خطرناک داروها تقریباً سه برابر بیش از رقم آمارهای رسمی است.»<sup>۲۲</sup>

<sup>11</sup> (همان ، 165)

<sup>12</sup> (همان ، 118)

<sup>13</sup> (همان ، 166)

<sup>14</sup> (همان 166)

<sup>15</sup> (مسائل طب مدرن ، ایران ، ص 170) مجموعه مقالات درباره طب سنتی ایران

<sup>16</sup> (روزنامه لوموند ، مورخه 1973/7/5 ، ص 54 به قلم Andre (scemama

<sup>17</sup> (پزشکی جدید از نگاه ایوان ایلچ ، ص 97 ترجمه خیشاوندی)

<sup>18</sup> (همان ، ص 171)

<sup>19</sup> (دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 38)

<sup>20</sup> (دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 28)

<sup>21</sup> (دارو مسأله پزشکی قرن ، ص 50)

<sup>22</sup> (خطرات و بیماری‌هایی که در اثر دارو بوجود می‌آید ، ص 51)

محدود بودن داروهای مفید

از نیم قرن پیش تاکنون، لابراتوارهای داروسازی جهان داروهایی ساخته‌اند که حقاً و انصافاً باید گفت جان میلیون‌ها نفر را از مرگ حتمی و قطعی نجات داده است. ما این داروها را گرامی می‌داریم و به کاشفان و سازندگان آنها درود می‌فرستیم ولی به طور مسلم تعداد کل این داروها، هرگز از عدد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند و داروهای دیگری که تعداد آنها 80 تا 90 قلم بیشتر نیست تا کنون از طرف گروه محققان صنایع داروسازی برای درمان بیماری‌ها ساخته شده‌اند که گرچه همه‌ی آنها دارای عوارض جانبی و سمیت هستند به هر حال نفع آنها بیش از ضررشان است و به طور کلی، اگر یک سازمان علمی صلاحیت‌دار برای ارزشیابی داروها در جهان بوجود آید به خوبی ثابت خواهد شد که تعداد کل داروهای مفیدی که در نیم قرن اخیر ساخته شده و وجودشان برای افراد بشر لازم و ضروری است از صدقلم تجاوز نخواهد کرد. در کنار این داروهای مفید و ضروری، چندین هزار قلم دارو، در هر یک از کشورهای جهان کنونی برای درمان بیماری‌ها مصرف می‌شود که به طور کلی زیانشان بیش از نفعشان است زیرا نفع آنها موقت و اندک، ولی عوارض جانبی و سمیشان زیاد است و بسیاری از آنها ضایعات جبران ناپذیری در اعضای بدن مصرف‌کننده ایجاد می‌کند و عواقب وخیمی به بار می‌آورند.<sup>23</sup>

مکتب پاستور و بحث میکروب

در مورد بیماری‌های عفونی اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم باید بگوییم علم پزشکی از نظر کشف میکروب‌ها، ویروس‌ها، مبارزه با آنها، پیشگیری و معالجه امراض عفونی از زمان پاستور تاکنون موفقیت‌هایی بدست آورده است و با کشف واکسن‌ها، سرم‌ها، داروهای شیمیایی میکروب‌کش و آنتی‌بیوتیک‌ها قدم‌های مؤثری در راه پیشرفت علم طب برداشته شده است، چنان که امروزه بر اثر یک سلسله اقدامات بهداشتی از قبیل استریلیزه کردن آب‌های آشامیدنی، پاستوریزه کردن شیر و مواد غذایی، گندزدایی محل‌ها، وجود قرنطینه‌ها و...، دیگر از آن اپیدمی‌های وبا، طاعون و... خبری نیست و بیماری‌هایی چون تیفوس، تیفوئید، ابله، دیفتری، سل و... نیز کم کم از تعدادشان کاسته شده و تلفاتشان خیلی کمتر از سابق شده است؛ همچنین اسهال و بایب کودکان و سایر امراض عفونی اطفال که سابقاً تلفات زیادی می‌دادند، با مراقبت‌های بهداشتی که امروزه درباره آنها به عمل می‌آید، کم شده و از مرگ و میر کودکان تا حدودی جلوگیری به عمل آمده است.

خطرات مکتب پاستور

تمام اینها به جای خود صحیح است و جای هیچگونه انکار نیست ولی متأسفانه، مکتب پاستور با تمام منافع و فوایدی که برای مردم داشته، با این همه، همراه سکه‌های طلا، سکه‌های تقلبی زیادی هم به ما تحویل داده به طوری که می‌توان گفت مضاری که از این راه عائد بشر شده کمتر از منافع و فواید آن نبوده است. منتها اکتشافات پاستور، آنقدر در عالم سر و صدا کرد و منافع آن، آنقدر به وسیله تبلیغات، همه جا منتشر شد که دیگر در ذهن مردم برای پذیرفتن ضررهای آن مجالی نماند و عجیب اینجاست که خود دانشمندان نیز تا اندازه‌ای مثل سایر مردم تحت تأثیر افکار روز قرار گرفته و تا مدتی از ضررهای آن غافل ماندند، تا اینکه به مرور زمان محققان دانشمند با بررسی‌های دقیق خود به این ضررها پی بردند و در مقام چاره‌جویی بر آمدند و عقاید خود را در این باره منتشر ساختند.<sup>24</sup>

پس از اینکه پاستور میکروب‌ها را کشف کرد و علت بروز بیماری‌ها، مخصوصاً بیماری‌های مسری را از میکروب‌ها دانست و سروصدای این اکتشاف همه جا پیچید، وحشت و ترس زائد الوصفی در کلیه مردم اروپا پیدا شد و برای جنگ علیه میکروب‌ها و نابود کردن آنها و مبتلا نشدن به بیماری‌ها همه جا آب آشامیدنی را جوشاندند و از خوردن سبزی‌ها و میوه‌های خام خودداری کردند و شیر اطفال را خوب جوشانده، میوه‌ها، سبزی‌ها و غذاها را کاملاً پختند و به عبارت دیگر کلیه مواد غذایی را استریلیزه کردند. ولی متأسفانه چندی نگذشت که این احتیاط‌ها در بهداشت غذایی نتایج اسف‌انگیزی به وجود آورد. کودکان ضعیف و لاغر شدند، رشد آنها متوقف شد، بسیاری از آنها کم خونی مخصوصی پیدا کردند، خلاصه اینکه سلامت مردم مختل شد و دانشمندان به فکر راه‌حل افتادند.

انتقاد سرسخت دانشمندان از نظریه‌ی پاستور

<sup>23</sup> (مجموعه آثار سید جلال مصطفوی، ص 31)

<sup>24</sup> (همان ص 89)





یکی از دانشمندان به نام ژرژ بارن کتابی با عنوان «ترس، بیماری شماره یک» منتشر کرد و در آن کتاب ترس و وحشت بی جهت مردم را از میکروب‌ها، سخت مورد انتقاد قرار داد و تذکر داد که این کار جز ضرر نتیجه‌ای ندارد، زیرا جوشاندن زیاد و استریلیزه کردن غذاها، اولاً مقداری از مواد حیاتی و ویتامین‌های آنها را از بین می‌برد و به این جهت رشد اعضاء و کار و فعالیت آنها متوقف می‌ماند، ثانیاً همانطوری که میکروب‌های مضر وجود دارد میکروب‌های مفید هم وجود دارد که مقداری از هضم غذاها و کارهای لازم بدن بر عهده آنهاست، با استریلیزه کردن سبزی‌ها و میوه‌ها میکروب‌های مفید هم همراه با میکروب‌های مضر از بین می‌روند و به اصطلاح تر و خشک با هم می‌سوزند و خود پاستور نیز که معلم اول میکروب شناسی بود هرگز توصیه نکرد که غذاها را استریلیزه کنند زیرا طی آزمایش‌هایی که در آزمایشگاه روی حیوانات کرد نشان داد که استریلیزه کردن غذاها رشد بدن را متوقف و کار اعضا را فلج و سلامتی را مختل و حیوان را ضعیف و لاغر می‌کند. حیواناتی که زیر نظر پاستور با غذاهای استریلیزه تغذیه می‌شدند پس از چندی نزدیک بود بمیرند. پاستور رژیم آنها را عوض کرد و مقداری اغذیه خام و تازه به آنها خوراند، ضعف و لاغری و کسالت آنها برطرف شد. بیشتر تأکید پاستور برای ضد عفونی کردن آلات و ادوات جراحی، دست و محیط بود نه غذاها.

مادام دوسن ژنه، متخصص علم غذاشناسی: «اگر به یزهای وحشت‌آور و ترسناکی که کلمه استریلیزه در بردارد خوب فکر کنیم به زودی پی خواهیم برد که یک غذای استریلیزه، یزی ست مثل یک زمین غیر حاصل خیز که هیچ چیز زنده‌ای برای ادامه حیات و زندگی در آن نمی‌روید. غذای استریلیزه غذا نیست بلکه چیزی ست که ظاهر یک غذا را دارد بدون اینکه از خاصیت و تأثیر غذا، چیزی در آن موجود باشد.»<sup>۲۵</sup>

دیدگاه جزء نگر

(یکی از تبعات حاکمیت جهان‌بینی مادی بر طب رایج، نگرش این طب به انسان به عنوان یک ماشین است که از اجزائی تشکیل شده و بیماری نیز نتیجه خوب کار نکردن این اجزاء می‌باشد. برای بیان ماهیت دیدگاه جزءنگر که حاکم بر پزشکی امروز می‌باشد ناگزیر از بیان یک مثال می‌باشیم: روزنامه‌ای را ورق بزنید و به یکی از عکس‌های آن توجه کنید. متوجه خواهید شد که از مجموعه بسیار زیادی نقطه سیاه و سفید انواع زیادی از نقاط خاکستری تشکیل شده است. فرض کنید عکس انتخابی شما چهره امیرکبیر باشد. حال چشم‌هایمان را نزدیک و نزدیک‌تر برده و دید خود را محدودتر می‌کنیم تا فقط چند نقطه از عکس دیده شود. آیا اگر از قبل تصویر را ندیده باشیم تنها با نگاه کردن به این نقاط می‌توانیم تشخیص دهیم که آنها مربوط به عکس امیرکبیر اند؟ آیا تنها با نگاه کردن به سلول‌ها و اعضا می‌توان یک شخص را تشخیص داد؟ هیچ کس انکار نمی‌کند که موجودات زنده از سلول تشکیل شده‌اند ولی اشتباه خواهد بود اگر تصور کنیم که موجود زنده فقط سلول است)<sup>۲۶</sup>

بله باید دانست که بدن انسان تشکیل شده از اجزائی ست که به یکدیگر متصل‌اند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و به همین دلیل نمی‌توان علل بیماری را در همان جزء خاص بررسی کرد بلکه -همانطور که در اکثر موارد اینگونه است- ممکن است علت بیماری و اختلال در یک عضو، در یک عضو دیگر موجود باشد.

اگر مقالات و رسالات در نقد طب مدرن یکی دو تا بود، مهم نبود ولی باور می‌فرمایید که از صدها مقاله و رساله هم بیشتر است؛ تا آنجا که اگر همه آنها را یکجا جمع کنیم، چندین کتاب قطور را بوجود خواهد آورد و ما برای نمونه فقط به ذکر فهرستی از نام بعضی از استادان دانشگاه‌های آمریکا و جمله‌های کوتاهی که در این‌باره گفته‌اند، اکتفا می‌کنیم:

پروفسور الکساندر، استاد دانشگاه نیویورک: «افرادی که از دانشگاه پزشکی فارق التحصیل می‌شوند با اینکه از طرق مختلط درمان با خبر هستند پس از سی سال طبابت، در می‌یابند که از دارویی که بیمار می‌خورد بیست نوع بیماری تولید می‌شود.»

پروفسور باکر، استاد دانشگاه نیویورک: «داروها بیش از خود بیماری‌ها موجبات مرگ افراد را فراهم کرده‌اند.»

آلبرت هوبارد: «پدرم مدت 67 سال طبابت می‌کرد ولی هرگز مرا با دارو مورد معالجه قرار نداد.»

دکتر المرلی، از پزشکان سرشناس نیویورک: «وضع فعلی طب طوری ست که می‌توان آنرا یک جنون دانست.»

<sup>25</sup> (همان ص 90)  
<sup>26</sup> (طب اسلامی، گنجینه تندرستی - ص 211)

پروفسور کلارک : «پزشکان هزاران فردی را که ممکن بود از طریق درمان طبیعی شفا یابند ، با داروهای خود به گورستان فرستادند.»



طرح آموزشی - تربیتی والمصبر 9

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام